

فصلنامه علمی - تخصصی فرهنگ پژوهش

شماره ۳۰، تابستان ۱۳۹۶، ویژه تاریخ اسلام

مقایسه تاریخ و سیره رسول خدا ﷺ در رابطه با اموات در سه کتاب کافی کلینی، صحیح مسلم و سنن ترمذی

تاریخ تأیید: ۹۶/۰۳/۱۲

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۱/۲۵

ابوذر خواجه*

چکیده

افکار، عقاید انحرافی و بدعت وهابیت در احکام و معارف و آموزه‌های دینی، تمام عرصه‌های احکام دینی را شامل می‌شود. آنان با سلیق شخصی و به دور از هرگونه تأمل و تفکری به تفسیر خودسرانه از آیات و روایات می‌پردازند و برداشت خود را تنها برداشت درست از دین می‌دانند و دیگران را تکفیر می‌کنند. یکی از برداشت‌های نادرست وهابیت، نگاه آنان به عالم پس از مرگ و جایگاه اموات و مسائل مربوط به اموات می‌باشد، در این پژوهش سعی می‌شود برخی مسائل اموات را با توجه به سه منبع کهن بررسی نموده تا صحت و سقم گفتار وهابیان آشکار شود. ابتدا به بررسی برخی روایات کتاب کافی و سپس دو منبع مکتب خلفا (صحیح مسلم و سنن ترمذی) پرداخته و در نهایت وجوه اشتراک و اختلاف، بیان می‌شود.

واژه‌های کلیدی: کافی، کلینی، کافی کلینی، صحیح مسلم، رسول خدا ﷺ.

مقدمه

یکی از روش‌های تحقیقی در حوزه علوم، روش مطالعه تطبیقی یا روش مقایسه‌ای است. در اصول مقایسه و تطبیق جایگاه محوری در اندیشه بشری دارد و هسته روش شناختی روش علمی نیز هست. بررسی‌ها نشان می‌دهد که پژوهشگران شرقی و غربی از دیرباز مقایسه را روش اساسی در مطالعات اجتماعی خویش می‌دانستند، از این میان می‌توان از ابن خلدون، متفکر بزرگ تاریخ مسلمانان یاد کرد. وی از جمله جامعه‌شناسانی است که در مطالعات اجتماعی خویش در جهت تطبیق و مقایسه عمل کرده و رویکرد مقایسه‌ای را رواج داده و عرضه‌کننده الگوی تاریخی و مقایسه‌ای در شناخت، تبیین و تحلیل پدیده‌های اجتماعی است.

مطالعه تطبیقی عبارت است از نوعی روش بررسی که پدیده‌ها را در کنار هم می‌نهد و به منظور یافتن نقاط افتراق و تشابه، آن‌ها را تجزیه و تحلیل می‌کند.^۱

این پژوهش سعی دارد به روش مقایسه‌ای، مسئله را تجزیه و تحلیل نماید تا در نهایت دریابد چقدر گفتار فرقه وهابیت با منابع دست‌اول مکتب تشیع و مکتب اهل سنت سازگاری دارد و در نتیجه نقاط اشتراک و افتراق دو مکتب تبیین شود.

۱- تاریخ و سیره رسول خدا ﷺ در مورد اموات از منظر اصول کافی

۱-۱- تشییع جنازه میت و احترام به آن

در متون و منابع شیعی سفارش زیادی به شرکت در تشییع جنازه و تسلیت و دل‌داری به بستگان متوفی شده است، هیچ‌گونه نهی و تحریمی حتی نسبت به زنان در این باب وارد نشده است. در کافی کلینی نقل شده که مردی از انصار دار فانی را وداع گفت، رسول خدا ﷺ برای تشییع جنازه آن مرد خارج شدند و با پای پیاده میت را همراهی می‌کردند، برخی از اصحاب گفتند یا رسول‌الله آیا سوار بر مرکب نمی‌شوید؟ رسول خدا فرمود: چگونه سوار بر مرکب شوم درحالی که ملائکه آسمان پیاده میت را تشییع می‌کنند.^۱

۲-۱- گریه و عزاداری در فراق اموات

در مکتب اهل بیت علیهم‌السلام گریه بر اموات در فراق آن‌ها چه برای زنان و چه مردان هیچ اشکالی ندارد و روایات در این باب فراوان است، مرحوم کلینی در کافی بابی دارد تحت عنوان «تَوَابٍ مَنْ عَزَّى حَزِينًا»^۲ ثواب کسی که عزاداری می‌کند درحالی که ناراحت است.^۳

در کافی روایت شده که رسول‌الله ﷺ در مرگ ابراهیم گریه کرد و فرمود: چشم می‌گرید و قلب می‌سوزد و جز آنچه مورد رضایت خدا است نگوییم.^۴

در روایتی دیگر آمده است که وقتی دختر رسول‌الله رقیه سلام‌الله علیهما از دنیا رفت، رسول‌الله در کنار قبر آن بانو فرمود: خداوند او را به سلف صالح ما ملحق گرداند، در این هنگام حضرت فاطمه زهرا در کنار قبر گریه می‌کرد و رسول خدا او را از گریه نهی نکرد.^۱

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی ج ۳: ص ۱۷۱.

۲. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ج ۳: ص ۲۰۵، بَابُ تَوَابٍ مَنْ عَزَّى حَزِينًا.

۳. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ج ۳: ص ۲۰۵.

۴. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ج ۳: ص ۲۶۲.

باید توجه داشته داشت که گریه بر فراق عزیزان امری فطری است و خودبه‌خود در اندوه عزیزان، اشک‌ها جاری می‌شود همان‌گونه که رسول‌الله در وفات ابراهیم - فرزندش - گریه می‌کرد و می‌فرمود: چشم می‌گرید و قلب می‌سوزد و جز آنچه مورد رضایت خدا است نگوییم. ای ابراهیم! ما در فراق تو در اندوهیم؛ بنابراین باید مواظب بود دچار توهّمات وهابیان نشد که گریه بر اموات را جایز نمی‌دانند.

۱-۳- زیارت قبور

مرحوم کلینی در کتاب کافی آداب فراوانی برای زیارت قبور نقل کرده که جایگاه بیان آن اینجا نیست اما همین مطلب نشان‌گر آن است که در مکتب اهل‌بیت، زیارت اهل قبور هیچ‌گونه منعی ندارد، نه برای زنان و نه برای مردان و هیچ‌نهی‌ای در باب زیارت اهل قبور وارد نشده است.

از امام صادق روایت شده است که رسول خدا فرمود هر کس زائر قبر من باشد روز قیامت شفیع او خواهم بود.^۲ در روایتی دیگر نقل شده است که امام حسین از رسول خدا ﷺ پرسید هر کس شمارا زیارت کند چه پاداشی دارد یا رسول‌الله؟ آن حضرت فرمود هر کس در حیات من یا ممامت مرا زیارت کند یا پدر تو و یا برادر تو و یا تو را زیارت کند فردای قیامت هم من او را زیارت خواهم کرد و از گناهان او را رها می‌کنم.^۳

جالب است که در روایت تصریح شده که چه در حال حیات و چه در حال ممات «مرا زیارت کنید، برخلاف قول وهابی‌ها که زیارت قبور متبرکه را برای زنان جایز نمی‌دانند.

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ج ۳؛ ص ۲۴۱.

۲. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی (ط - اسلامیة)، ج ۴؛ ص ۵۴۸.

۳. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی (ط - اسلامیة)، ج ۴؛ ص ۵۴۸.

۱-۴- توسل به اموات و سلف صالح

۱-۴-۱- معنای توسل

توسل به این معناست که موجود گرانمایه و ارزشمندی را به علت احترام و منزلتی که نزد خدا دارد در جهت رسیدن به خواسته‌های مشروع و حاجات، بین خود و خدا وسیله و واسطه قرار داد مثل اینکه گفته شود: خدایا به پیامبرت یا به حقی که او بر تو دارد یا به منزلتی که در نزد تو دارا است حاجتم را برآور یا از آنان خواست که حاجت ما را از خداوند بخواهند.

در باب جواز توسل از امامان معصوم روایات فراوانی در کافی مرحوم کلینی وارد شده است حتی در برخی از دعاها، چگونگی توسل را یاد می‌دهند.

روایت شده که شخصی نزد رسول خدا آمد و گفت یا رسول الله فردی صاحب عیال هستم از طرفی بدهکار هم هستم و مشکلات اقتصادی زیادی دارم، یا رسول الله دعایی به من یاد بده تا مشکلاتم برطرف شود، آن حضرت فرمود دو رکعت نماز بخوان و بگو: ای خدای یگانه و کریم به سوی تو می‌آیم به وسیله پیامبرت محمد ﷺ. ^۱ (خدایا پیامبرت را واسطه قرار می‌دهم تا به احترام او مشکلات مرا حل کنی)

بنابراین توسل در مکتب اهل بیت علیهم‌السلام امری است جایز و ثابت و جای هیچ‌گونه خدشه در آن نیست.

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (ط - اسلامیة)، ج ۲: ص ۵۵۲.

۲- تاریخ و سیره رسول خدا ﷺ در مورد اموات از منظر صحیح مسلم و سنن ترمذی

۱-۲- تشیع جنازه میت و احترام به آن

یکی از حقوق برادر مسلمان بر مسلمان دیگر، شرکت در تشیع جنازه او است و باید میت مسلمان را احترام کند. مسلم^۱ و ترمذی^۲ نقل کرده‌اند: رسول خدا شرکت در تشیع جنازه مسلمان و تکریم آن را از واجبات قرار داد و فرمود: پنج چیز حق مسلمان است بر گردن مسلمان دیگر، که یکی از این پنج چیز حضور در تشیع جنازه مسلمان می‌باشد، مسلم ابن حجاج در «بَابُ فَضْلِ الصَّلَاةِ عَلَى الْجَنَازَةِ وَ اتِّبَاعِهَا»^۳ روایات فراوانی در باب فضیلت حضور در تشیع جنازه میت نقل کرده است، در روایتی نقل کرده‌اند که جنازه‌ای را از محضر رسول خدا ﷺ عبور می‌دادند، آن حضرت به احترام این جنازه بلند شد و اصحاب هم به تبع آن حضرت بلند شدند، برخی از اصحاب گفتند یا رسول الله این جنازه زن یهودی هست که از دنیا رفته، حضرت فرمودند، آیا او انسان نیست؟ کنایه از اینکه انسانیت او قابل احترام است.^۴

البته نکته مهمی که در اینجا وجود دارد آن است که ظاهراً این امر مخصوص مردان است و زنان از این مسئله نهی شده‌اند، مسلم در صحیح دو روایت نقل کرده که رسول خدا زنان را از حضور در تشیع جنازه و اتباع آن نهی کرده است.^۵ همان‌گونه که در باب زیارت اهل قبور و گریه بر میت چنین نظری وجود دارد. (بر زنان، زیارت اهل قبور و گریه بر اموات جایز نیست).

۱. صحیح مسلم / ج ۴، ص: ۱۷۰۴، باب من حق المسلم للمسلم رد السلام ...

۲. ترمذی، محمد بن عیسی، الجامع الصحیح و هو سنن الترمذی، ج ۴: ص ۵۳۰.

۳. مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، ۵ جلد، ج ۲: ص ۶۵۲.

۴. مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، ۵ جلد، ج ۲: ص ۶۶۰.

۵. مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، ۵ جلد، ج ۲: ص ۶۴۶، فَضْلُ الصَّلَاةِ عَلَى الْجَنَازَةِ وَ اتِّبَاعِهَا.

۲-۲- گریه و عزاداری در فراق اموات

روایات متعددی در کتب مکتب خلفا به چشم می‌خورد که رسول خدا ﷺ گریه بر قبور در فراق عزیزان را نهی کرده است و وهابیان با استناد به این احادیث از گریه کردن بر قبور نهی می‌کنند به‌عنوان نمونه چند مورد از این‌گونه روایات که در صحیح مسلم و سنن ترمذی نقل شده، بیان می‌شود:

۱- ابو صالح از ابوهریره نقل کرده که رسول خدا ﷺ فرمودند: دو چیز در مردم وجود دارد که باعث کفر در آن‌ها می‌شود، یکی طعن زدن به اصل و نسب و دیگری نوحه‌خوانی بر میت.^۱

۲- در صحیح مسلم و سنن ترمذی بابی هست تحت عنوان «الْمَيْتُ يَعْدَبُ بِبُكَاءِ أَهْلِهِ عَلَيْهِ»^۲: با گریه اقوام میت، او در قبر عذاب می‌شود.

نکته قابل توجه این است که در همین باب از عایشه کلامی نقل شده است که تبادر وهابیان را مخدوش می‌سازد. هشام بن عروه در صحیح مسلم نقل می‌کند که وقتی نزد عایشه حدیث ابن عمر نقل شد عایشه گفت: جنازه یهودی از کنار رسول خدا عبور داده شد که بر او گریه می‌کردند که پیامبر در این حال فرمود: شما بر او گریانید در حالی که او در عذاب است.

بنابراین به نظر می‌رسد اولاً کلام رسول‌الله در رابطه با شخص کافر بود که در هنگامی که اهل او بر او گریه می‌کنند او عقاب می‌شود به خاطر کفر به خدا و رسول.^۴ ثانیاً گریه بر فراق عزیزان امری فطری است و خودبه‌خود در اندوه عزیزان اشک‌ها جاری

۱. صحیح مسلم / ج ۱، ص: ۸۲، باب إطلاق اسم الکفر علی الطعن فی النسب و النیاحه.

۲. مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، ج ۲، ص ۶۳۸.

۳. سنن الترمذی / ج ۳، ص: ۲۱۲، باب ما جاء فی کراهیه البکاء علی المیت [ت ۲۴]

۴. مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، ج ۲، ص ۶۴۳.

می‌شود همان‌گونه که رسول‌الله در وفات ابراهیم، گریه می‌کرد و می‌فرمود: العین تدمع و القلب يحزن و لا نقول الا بما يرضى ربنا و انا بك يا ابراهيم لمحزونون: چشم می‌گرید و قلب می‌سوزد و جز آنچه مورد رضایت خدا است نگوییم. ای ابراهیم! ما در فراق تو در اندوهیم.^۱

در سنن ترمذی در باب «مَا جَاءَ فِي الرُّحْصَةِ فِي الْبُكَاءِ عَلَى الْمَيِّتِ» آمده است: جابر بن عبدالله گوید: پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌دست عبدالرحمان بن عوف را گرفت و با وی بر بالین پسرش ابراهیم آمد و او را که در حال جان سپردن بود در برگرفت و بر دامن نهاد و گریست، عبدالرحمان بن عوف گفت: آیا گریه می‌کنی؟ مگر شما خودتان از گریه بر اموات نهی نکردید؟ حضرت پاسخ داد: «لا و لكن نهيتُ عن صوتين احمقين و آخرین، صوت عند مصيبة و خمس و جوه و شق جيوب و رنة شيطان و صوت عن نغمة لهو و هذه رحمة و من لا يرحم لا يرحم» نه! اما از دو صدای جاهلانه و دو کار نهی کرده‌ام از دادوفریاد به هنگام وارد آمدن مصیبت و خراش دادن صورت و پاره کردن گریبان و صدای گریه‌ای که در حلق پیچانده شود که شیطانی است و صدای نغمه لهو آمیز، این گریه من، ناشی از عطف و رحمت است و البته کسی که رحم نکند، بر او رحم نشود.^۲

۲-۳- زیارت قبور

مسلم بابی در صحیح دارد تحت عنوان «مَا يَقَالُ عِنْدَ دُخُولِ الْقُبُورِ وَ الدُّعَاءِ لِأَهْلِهَا»^۳ دعا خواندن هنگام داخل شدن به قبرستان، روایات در این باب زیاد است و اصل جواز

۱. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، ۱۱ جلد، ج ۲؛ ص ۳۸۲، بَابُ قَوْلِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: إِنَّا بِكُمْ لَمَحْزُونُونَ.

۲. ترمذی، محمد بن عیسی، الجامع الصحیح و هو سنن الترمذی، ج ۳؛ ص ۲۱۴، بَابُ «مَا جَاءَ فِي الرُّحْصَةِ فِي الْبُكَاءِ عَلَى الْمَيِّتِ».

۳. مسلم ابن حجاج، صحیح مسلم، ج ۲، ص: ۶۷۰، بَابُ مَا يَقَالُ عِنْدَ دُخُولِ الْقُبُورِ وَ الدُّعَاءِ لِأَهْلِهَا.

زیارت اهل قبور بر کسی پوشیده نیست اما اختلاف بر سر زنان است که آیا رفتن زنان به زیارت قبور جایز است یا نه؟.

ترمذی از ابوهریره نقل می‌کند که رسول خدا ﷺ زنان زیارت کننده اهل قبور را لعن کرده است^۱ «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَعَنَ زَوَارَاتِ الْقُبُورِ».

ابن ماجه نقل کرده است که روزی پیامبر ﷺ از خانه به در آمد و زنانی را دید که بر راه نشسته‌اند. فرمود: «برای چه اینجا نشسته‌اید؟» گفتند: «در انتظاریم تا جنازه‌ای بیاورند.» فرمود: «شما او را غسل می‌دهید؟» گفتند: «نه»، فرمود: «شما او را به سوی قبر می‌برید؟» گفتند: «نه» فرمود: «شما او را دفن می‌کنید؟» گفتند: «نه» فرمود: «پس برگردید که شما گناه می‌کنید نه آنکه اجر می‌برید»^۲.

بر همین اساس بن باز، از مفتیان وهابیت چنین فتوا داده است: «برای زنان زیارت قبور جایز نیست؛ زیرا پیامبر ﷺ زنانی را که به زیارت قبور می‌روند لعنت کرده است. دیگر این که زنان فتنه هستند و صبرشان کم است لذا از رحمت خدا و احسان او این است که برای آنان زیارت قبور را حرام کرده است تا این که نه فتنه‌گری کنند و نه دیگران را به فتنه بکشاند»^۳.

در پاسخ به مطالب فوق باید گفت: زنان به خاطر عواطف رقیق‌تری که دارند، نیاز بیشتری به زیارت قبور عزیزان خود پیدا می‌کنند تا تسلی خاطر یابند اما متأسفانه گروه وهابیان افراطی، به خاطر حدیث مشکوکی، زنان را به شدت از زیارت قبور بازمی‌دارند و حتی در زبان عوام آن‌ها در جنوب ایران مشهور است؛ زنی که بر سر قبری حاضر شود، میت آن زن را به صورت برهنه مادرزاد می‌بیند! این گروه بر حرمت زیارت قبور برای زنان،

۱. ترمذی، محمد بن عیسی، الجامع الصحیح و هو سنن الترمذی، ۶ جلد، دار الحدیث - مصر - قاهره، چاپ: ۱، ۱۴۱۹ ه.ق.

۲. ابن ماجه، محمد بن یزید، السنن، ۶ جلد، دار الجیل - لبنان - بیروت، چاپ: ۱، ۱۴۱۸ ه.ق.

۳. بن باز، مجموع الفتاوی، ج ۲، ص ۷۵۷.

بیش از مردان پای فشرده و با تنگ‌نظری در تحلیل و واکاوی مسئله، به روایاتی تمسک می‌جویند که به صراحت مخالف با سیره رسول خدا ﷺ و عرف متشرعه مسلمین در طول تاریخ بوده است.

حدیث نخست بنا بر رأی برخی از محدثان سنی، منسوخ شده است. ابو عیسی ترمذی که ناقل حدیث است، می‌گوید: برخی از اهل علم می‌گویند، این روایت مربوط به دوران پیش از تجویز زیارت قبور است؛ اما چون پیامبر ﷺ زیارت قبور را جایز شمرد، زن و مرد را یکسان خطاب کرد.^۱ حاکم نیشابوری نیز می‌گوید: این حدیث منسوخ است.^۲

بیش‌تر احکام اسلام برای مردان و زنان یکسان‌اند و اگر استثنائی در میان آید، نیازمند دلیل محکم است. پیامبر ﷺ خطاب به مسلمانان فرموده است: زیارت کنید قبور را که شمارا به یاد آخرت می‌اندازند^۳ هر چند خطاب این روایت به جمع مذکر است، اما عرف آیات و روایات این است که همه خطاب‌ها زنان را نیز در برمی‌گیرند مگر دلیلی بر عدم اشتراک در میان آید. بدین‌سان، خطاب «زُورُوا» زنان را نیز در برمی‌گیرد؛ همانند «اقیموا الصلوة» و «أتوا الزکوة» که مرد و زن را در برمی‌گیرند. علاوه بر اینکه ابن ماجه قزوینی در «بَابُ مَا جَاءَ فِي زِيَارَةِ الْقُبُورِ» از عایشه نقل کرده که رسول‌الله زیارت قبور را جایز دانست.^۴

به نظر می‌رسد روایت دوم، اولاً در شأن زنانی است که بسیار به گورستان می‌رفتند و حق شوهر خویش را فرومی‌گذاشتند و گواه بر این رأی، کلمه «زوارات» است که بر مبالغه دلالت می‌کند، ثانیاً با حدیثی که حاکم و دیگران نقل کرده‌اند منسوخ می‌شود، همچنین با

۱ ترمذی، محمد بن عیسی، الجامع الصحیح و هو سنن الترمذی، ج ۳: ص ۲۴۱، بَابُ مَا جَاءَ فِي زِيَارَةِ الْقُبُورِ.

۲ مستدرک حاکم نیشابوری، ج ۳: ص ۴۱۲، باب لعن رسول الله صلى الله زوارات.

۳ ابن ماجه، محمد بن یزید، السنن، ۶ جلد، دار الجیل - لبنان - بیروت، ج ۳: ص: ۹۳، بَابُ مَا جَاءَ فِي زِيَارَةِ الْقُبُورِ.

۴ ابن ماجه، محمد بن یزید، سنن، ۶ جلد، ج ۳: ص: ۹۴، بَابُ مَا جَاءَ فِي زِيَارَةِ الْقُبُورِ.

۵ ابن ماجه، محمد بن یزید، سنن الحافظ أبی عبدالله محمد بن یزید القزوینی ابن ماجه، ۶ جلد، دار الجیل - لبنان - بیروت.

روایتی که عایشه از پیامبر ﷺ نقل نمود که پیامبر ﷺ از زیارت قبور نهی فرمود ولی بعدها امر به زیارت آن کرد در تعارض است و ذهبی در حاشیه مستدرک روایت عایشه را صحیح دانسته است.

ثالثاً روایت به موضوع زیارت قبور نظر ندارد؛ بلکه نکوهش پیامبر ﷺ در آن، متوجه زنانی است که برای تماشای جنازه آمده‌اند و هیچ کاری در تجهیز میت بر عهده ندارند. از سویی وهابیان فراموش کرده‌اند که هر چه را انکار کنند، فعل عایشه را که قبر پیامبر ﷺ و خلیفه اول و دوم را در خانه خود جای داده بود، نمی‌توانند انکار کنند و موضوع زیارت قبور در سیره همسران پیامبر، دختر رسول خدا ﷺ و صحابه به کرات به چشم می‌خورد و بسی جای تعجب دارد که آنان فرمایش پیامبر را در این مورد نشنیده و یا به آن عمل نمی‌نمایند.

۲-۴- توسل به اموات و سلف صالح

از تاریخ و سیره پیامبر گرامی اسلام ﷺ و سیره مستمر صحابه و تابعین و مسلمانان در قرون مختلف استفاده می‌شود که توسل به رسول خدا ﷺ و انبیاء و اولیای الهی از دیدگاه اسلام، موضوعی قابل قبول و پسندیده است.

۱-۲-۴- رسول خدا ﷺ و مسئله توسل

در منابع معتبر اسلامی روایات فراوانی از رسول خدا ﷺ رسیده است که باملاحظه آن در جواز توسل به آن حضرت و سایر اولیای الهی تردید وجود ندارد.

ترمذی^۱ از عثمان بن حنیف چنین روایت می‌کند:

۱. ترمذی، محمد بن عیسی، الجامع الصحیح و هو سنن الترمذی، ج ۵؛ ص ۳۸۸.

«مردی نابینا به نزد پیامبر گرامی آمد و گفت از خدا بخواه تا مرا عافیت بخشد. رسول خدا ﷺ فرمود: اگر مایل هستی صبر کن که این برای آخرت تو بهتر است و اگر مایل هستی دعا می‌کنم برای تو. مرد نابینا گفت: دعا بفرمایید برای من. آنگاه پیامبر ﷺ به او دستور داد تا وضو بگیرد و دو رکعت نماز بخواند و این چنین دعا کند: پروردگارا من از تو درخواست می‌کنم به وسیله پیامبرت محمد ﷺ - پیامبر رحمت - به تو روی می‌آورم. ای محمد من در مورد نیازی که دارم به وسیله تو به پروردگار خویش متوجه می‌شوم خدایا او را شفیع من گردان.»

چند نکته پیرامون این حدیث

الف) از نظر سند صحیح است و در مجامع روایی فراوانی از جمله جامع ترمذی، سنن نسائی^۱، مسند احمد بن حنبل آمده است.

ب) از نظر دلالت جواز توسل به خود پیامبر ﷺ از آن استفاده می‌شود زیرا به او تعلیم داده می‌شود که بگوید: «اللهم انی أسألك و اتوجه الیک بنبیک محمد» و این لحن صراحت در توسل به شخص پیامبر ﷺ دارد و مراد، توسل به دعای پیامبر نبوده است.

ج) حدیث مربوط به توسل به پیامبر ﷺ در زمان حیات ایشان است، ولی وقتی که توسل به پیامبر مشروع باشد فرقی بین زمان حیات و ممات ندارد، زیرا کرامت و منزلت پیامبر ﷺ با رحلت آن حضرت از بین نمی‌رود و همان گونه که در حال حیات نزد خدا و جاهت دارد در حال ممات هم و جاهت دارد و از همین جهت است که راوی حدیث یعنی عثمان بن حنیف نیز همین استفاده را کرده است.

۱-۲-۴- صحابه رسول خدا ﷺ و مسئله توسل

۱. نسائی، احمد بن علی، السنن الکبری، ۷ جلد، دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون - لبنان - ج ۶: ص ۱۶۹.

در حدیث صحیحی نقل شده است که شخصی در زمان حکومت عثمان بن عفان درخواستی داشت و به او توجه نمی‌شد و تقاضایش برآورده نمی‌گردید. وقتی عثمان بن حنیف در جریان این موضوع قرار گرفت او را راهنمایی کرد تا وضو بگیرد و به مسجد نبوی ﷺ برود و دو رکعت نماز بخواند و آنگاه به پیامبر متوسل شود و حاجت خودش را بیان کند. آن مرد چنین کرد و به خانه عثمان بن عفان رفت و حاجتش فوری برآورده شد. پس از آن عثمان بن حنیف را دعا کرد و از او تشکر نمود و عثمان بن عفان حدیث آمدن مرد نابینا و شفا یافتن او را با توسل به رسول خدا ﷺ بیان کرد.^۱

علاوه بر اینکه مسئله حیات برزخی و سماع اموات از مسائل مهمی است که علماء اسلام آن را قبول داشته و برای اثبات توسل به ارواح انبیاء و اولیاء به آن استناد کرده‌اند، سردمدار قائلان به سماع اموات، «عبدالله ابن عمر» می‌باشد.

مسلم ابن حجاج در صحیح روایت می‌کند پیامبر ﷺ با کشته‌های بدر صحبت کرد که اعتراض عمر ابن الخطاب را در پی داشت و پیامبر در جواب او فرمود: «والذی نفسی بیده ما انتم باسمع لما اقول منهم و لکن لایقدرون ان یجیبوا». شما شنواتر از آنها نیستید. (معروف به روایت قلیب بدر).^۲

و بخاری در صحیح خود بابی را باز کرده تحت عنوان «بَابُ الْمَيِّتِ يَسْمَعُ خَفَقَ النَّعَالِ»^۳ میت صدای پای انسان‌هایی را که راه می‌روند را می‌شنود.

این‌ها همه دلایلی روشن است بر اینکه اموات بعد از مرگ قابلیت این را دارند که صدای انسان‌های زنده را بشنوند.

۱. المعجم الصغير للطبرانی، ج ۱، ص ۱۸۳.

۲. مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، ج ۴: ص ۲۲۰۳.

۳. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، ج ۲: ص ۳۹۸، باب الميت یسمع خفق النعال.

نتیجه‌گیری

تشیع جنازه اموات و گریه برای اموات و زیارت و همچنین توسل به اموات در مکتب اهل بیت علیهم‌السلام هیچ اشکالی ندارد و چه بسا سفارش‌های زیادی هم در رابطه با برخی از این‌ها شده است به‌عنوان مثال در باب زیارت امام حسین آمده است «هر کس امام حسین را زیارت کند درحالی که عارف و آگاه به حق او باشد تمام گناهان او بخشیده می‌شود»^۱ از امام علی ابن ابیطالب علیه‌السلام روایت شده که هر کس می‌خواهد مشکلاتش حل شود برای طلب حاجت بر سر قبر پدر و مادر خود برود و دعا کند تا خدا مشکلاتش را حل کند. درحالی که گزارش‌های دو کتاب «صحیح مسلم» و «سنن ترمذی» در رابطه با مسائل اموات مختلف است، تعدادی از روایات از کارهایی مثل تشیع جنازه اموات توسط زنان، زیارت اهل قبور توسط زنان و گریه بر اموات نهی می‌کنند اما تعدادی دیگر ظهور در این دارند که اشکالی در این مسائل وجود ندارد.

هر دو مکتب، اصل تشیع جنازه میت و احترام به آن را، امری مطلوب می‌دانند اما در صحیح مسلم روایاتی بیان شده است که ظهور دارد زنان حق شرکت در تشیع جنازه را ندارند برخلاف مکتب اهل بیت که چنین ممنوعیتی در رابطه با زنان ندارد.

روایات متعددی در صحیح مسلم و سنن ترمذی، بیان می‌دارند که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، گریه بر قبور در فراق عزیزان را نهی کرده است برخلاف مکتب اهل بیت علیهم‌السلام که در کتاب کافی حتی یک مورد هم به چشم نمی‌خورد که رسول خدا از

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ۱ جلد، الشریف الرضی - ایران - قم، چاپ: ۲، ۱۳۶۴ ه.ش، النص؛ ص ۸۵.

گریه و زاری در فقدان وابستگان نهی کرده باشد و چه بسا خود آن حضرت در فقدان فرزندشان ابراهیم گریستند.

۳- در باب زیارت اموات نیز اصل زیارت قبور مورد قبول طرفین است اما اختلاف به زنان برمی گردد که آیا آنان مجوز این کار را دارند؟ ترمذی از ابوهریره نقل می کند که رسول خدا ۹ زنان زیارت کننده اهل قبور را لعن کرده^۱ «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَعَنَ زَوَارَاتِ الْقُبُورِ». درحالی که در کافی مرحوم کلینی چنین روایاتی یافت نمی شود و به طور مطلق به زیارت اهل قبور توصیه شده و آثار تربیتی زیادی دارد که بر اهل علم پوشیده نیست.

۴- در بحث توسل روایاتی از هر دو مکتب وجود دارد که توسل را جایز می دانند و خود رسول خدا به چنین کاری توصیه داشته و برخی از اصحاب برای حل مشکلاتشان رسول خدا و اهل بیت ۸ را واسطه قرار می دادند. ابو عبدالله بخاری در کتاب صحیح خود چنین آورده است:

«انس گوید عمر بن الخطاب در موقع قحطی به عباس بن عبدالمطلب متوسل می شد و می گفت: پروردگارا! ما به پیامبرت متوسل می شدیم و رحمت خود را می فرستادی، اکنون به عمومی پیامبرت متوسل می شویم. پس باران را برای ما نازل فرما و سیراب می شدند.»^۲

از جمله «انا كنا نتوسل اليك نبينا» معلوم می شود که توسل صحابه به پیامبر یک سیره مستمر و رایج بوده و فقط یک بار انجام نشده است.

۱. ترمذی، محمد بن عیسی، الجامع الصحیح و هو سنن الترمذی، ۶ جلد، دار الحدیث - مصر - قاهره، چاپ: ۱، ۱۴۱۹ ه.ق.

۲. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، ۲، ۱۴۱۰ ه.ق. ج ۲: ص ۲۲۸.

توسّل به رسول گرامی اسلام و سایر اولیای الهی و استمداد از آنان چه در زمانی که زنده‌اند و چه بعد از رحلت آنان، شرک محسوب نمی‌شود و جایز است، زیرا از دیدگاه اسلام، مرگ پایان زندگی نیست، بلکه انتقال انسان از یک مرحله زندگی به مرحله دیگری است که آن انتقال با جدایی روح از بدن و دریافت آن توسط ملک‌الموت تحقق می‌یابد. قرآن کریم در این مورد می‌فرماید: «قُلْ يَتَوَفَّاكُم مَلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ». «بگو فرشته مرگ که برای شما گمارده شده است، جان شماها را می‌گیرد آنگاه به سوی پروردگار خود بازمی‌گردد». ^۱ پس مرگ نابودی نیست، بلکه دریافت روح و جان که حقیقت آدمی است توسط عزرائیل (علیه‌السلام) است.

از سوی دیگر قرآن کریم درباره کسانی که در راه خدا کشته می‌شوند می‌فرماید: «وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَٰكِنْ لَا تَشْعُرُونَ» «به کسانی که در راه خدا کشته می‌شوند مرده نگوئید بلکه آنان زنده‌اند ولی شما نمی‌فهمید». ^۲

ارواح اولیای الهی همچون پیامبر گرامی اسلام در افقی فراتر از شهدا به حیات برزخی خود ادامه می‌دهند و چون حیات دارند پس توسّل به آنان پس از مرگ نیز جایز است.

۱. سجده / ۱۱.

۲. آل عمران / ۱۹۶.

فهرست منابع

- قرآن کریم.
۱. کلینی، محمد ابن یعقوب، کافی، ۸ جلد موسسه دارالاسلامیه، ایران.
 ۲. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، ۱۱ جلد، جمهوری مصر العربیه، وزارة الاوقاف، المجلس الاعلی للشئون الاسلامیه، لجنة إحياء كتب السنه، مصر، قاهره، چاپ ۲، ۱۴۱۰ ه.ق، ج ۵؛ ص ۳۳۸.
 ۳. مازندرانی، محمد صالح بن احمد، شرح کافی، اصول و روضه، تهران، ۱۳۸۲ ق.
 ۴. مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، ۵ جلد، دار الحدیث، مصر: قاهره، ۱۴۱۲ ه.ق.
 ۵. مسلم ابن حجاج، ترجمه صحیح مسلم، ۴ جلد، مترجم: خالد ایوبی نیا، موسسه انتشاراتی حسینی اصل، ارومیه، ۱۳۹۳.
 ۶. ترمذی، محمد بن عیسی، الجامع الصحیح و هو سنن الترمذی، ۶ جلد، دار الحدیث قاهره: ۱۴۱۹ ه.ق.
 ۷. کلینی، محمد بن یعقوب، گزیده کافی - تهران، ۱۳۶۳ ش.
 ۸. ابن بابویه، محمد بن علی، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ۱ جلد، الشریف الرضی، ایران، قم، چاپ ۲، ۱۳۶۴ ه.ش، النص؛ ص ۸۵.
 ۹. ابن ماجه، محمد بن یزید، السنن، ۶ جلد، دار الجیل، لبنان، بیروت، ۱۴۱۸ ه.
 ۱۰. نسائی، احمد بن علی، السنن الکبری، ۷ جلد، دار الکتب العلمیه، منشورات محمدعلی بیضون، لبنان.

